

سال‌ها در طلب

درباب نیازب



فاطمه پورابراهیم
نوجوانه

قبل‌ترها هم مثل حالا چنل‌های تلگرامی روزمره‌نویسی روی بورس بود. هرکسی چنلی داشت؛ آدا هم همین‌طور. آدا دوست مجازی من بود. هر دو نوجوان بودیم ولی بین باورهای مان دنیایی فاصله بود. شبی که آدا

حال خوشی نداشت را به خاطر دارم. درست یادم است چقدر ناخوش احوال بود؛ ولی این که چه

گرفته می‌شوند. روان‌شناسان راه مهمی که برای رهایی از این معضل پیشنهاد کرده‌اند، هدف‌گذاری است. هرچند که بعضی اهداف قدرت معنا دادن به زندگی را ندارند. پس هر هدفی نمی‌تواند زندگی انسان را معنا دار کند در مباحث فلسفی، بُعد معنوی زندگی، سه معنای محوری دارد؛ محور اول هدفمند بودن است. باور به ظهور منجی، غایت هدف زیستن را برای ما به وجود می‌آورد؛ آمادگی جهان برای آمدن منجی. محور دوم ارزشمدار بودن یک باور است. ارزش‌های این باور، برای مثال شامل احیای اسلام راستین، تأمین رفاه و آرامش، رضایتمندی و عشق به محبوب است. سومین مورد نیز کارکرد داشتن است که در این مورد، باور به مهدویت موجب پارسایی، اخلاق‌مداری، مسئولیت‌پذیری و امیدبخشی شده و زندگی منتظران را معنا دار می‌سازد. وجود این سه مورد در باور به منجی به عنوان یک هدف، چنان معنایی به فلسفه زندگی می‌دهد که تاسطحی‌ترین لایه‌های زندگی افراد در جامعه نمود پیدا می‌کند. این‌طور است که می‌بینیم افرادی که به یک منجی باور دارند، امید به زندگی در آنها بیشتر می‌شود.

دکتر شاهرخ مکوند حسینی در این باره می‌گوید: «افرادی که به روز موعود معتقدند، دید خوشبینانه‌تری به زندگی دارند و معتقدند حضرت مهدی (عج) می‌آید و با خود عدل، انصاف، صلح و آرامش را می‌آورد و برای همین همه سختی‌ها را تحمل می‌کنند تا در سایه عدالت وعده داده شده به آسایش برسند.» همچنین توضیح می‌دهد: «این افراد در زندگی نوعی استمرار دارند و در راه مثبت تلاش می‌کنند. این نوع نگاه در فرهنگ شیعه بسیار پررنگ‌تر و در مساجد و جلسات مذهبی بسیار تبلیغ شده و باعث می‌شود امید به زندگی تقویت شود.»

مکوند حسینی که سال‌ها در زمینه روان‌شناسی فعالیت کرده، درخصوص باور به منجی می‌گوید: «در افراد مذهبی معناها ثابت است. منجی می‌آید و دنیا را اصلاح می‌کند. این افراد به خاطر ثبات معنا ثبات رفتاری دارند.»

اعتقادات مذهبی برخلاف بسیاری از دلمشغولی‌های زندگی نظیر شغل، همسر و فرزند که تأثیر مقطعی در زندگی دارند تأثیر پایدار در زندگی دارد. اعتقادات مذهبی پیامدهای غیرمادی دارند و چیزی که پیامد غیرمادی دارد انگیزه‌های درونی را تضعیف نمی‌کند. او اضافه می‌کند: «در روان‌شناسی مثبت‌نگر افراد هم به توانمندی‌های خود و هم به پیامد رفتارهای شان نگرش مثبتی دارند و منتظر پیامدهای مثبت آن هستند که این همان جنبه کاربردی انتظار را نشان می‌دهد.»

■ باور به منجی، در سرایشی نابودی؟!

در فرهنگ‌نامه دهخدا نوشته شده که منجی در لغت به معنای نجات‌دهنده، مصلح اجتماعی، موعود و واژه‌هایی از این دست است اما در اصطلاح به شخصی گفته می‌شود که در دوره آخرالزمان و پایان جهان، ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد می‌کند. با معنویت‌زدایی و ترویج عقلانیت محض و مادی‌گرایی، معنویت در سرایشی بحران قرار می‌گیرد. به‌ویژه بین نسل‌های جدید که تربیت شده فضای مجازی هستند. با وجود تمام این اوصاف، هنوز نمی‌توان به جهان این نسل، دوری از معنویت یا مادی‌گرایی و عقلانیت محض را نسبت داد. مخصوصاً که علما معتقدند امیدواری به نجات یافتن توسط منجی امری درونی و فطری است. به عبارتی عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج)، مسأله‌ای کاملاً فطری و طبیعی است که با سرشت آدمی آمیخته شده و عمری به درازای عمر آفرینش انسان دارد. پس ادعایی دور از واقعیت است که نسل Z را از باور درونی به ظهور مستثنی بدانیم. شاید نوع باور بین افراد مختلف متفاوت باشد، شاید میزان اعتقاد راسخ به این امر، آدم به آدم فرق کند؛ ولی نگاه صفر و صدی به این موضوع و قضاوت سیاه‌نماییانه بی‌شک اشتباه است.

■ اعتقادی در سرشت ما

گفتیم که باور به منجی، امری فطری است که در سرشت انسان‌ها نهفته اما داستان اعتقاد به این موضوع، فراتر از این هم می‌رود. بحث‌های زیادی در این باره شده که این باور، درواقع یک نیاز درونی نیز هست. بشر برای ادامه حیات، نیاز به ظهور باورمند دارد.

سیدرضی موسوی گیلانی، استاد دانشگاه ادیان و مذاهب در مورد نیاز به منجی گفته: «فکر می‌کنم نیاز به منجی یک نیاز فطری است و پاسخ به آن بخش فطری ما انسان‌هاست. این مسأله را به عنوان یک دلیل برون دینی معتقدم. شاید این یکی از جدی‌ترین عواملی باشد که در دهه‌های اخیر اقبال به بحث منجی یا مفهوم نجات در ادیان به وجود آمده اما به هر حال در درون ادیان هم دلیلش مشخص است و منطق ادیان به تعبیر درون دینی مشخص است. بعضی ادیان معتقدند که اصلاح عمومی باید توسط انسانی رخ دهد که سلیم‌النفس است.» منظور از انسان سلیم‌النفس، کسی است که قلب پاکی داشته و به اصطلاح بی‌آزار باشد، یعنی با فطرت خود سر جنگ نداشته باشد.

■ هدفی معنا بخش برای عمر

هرچند بحران معنویت با بحران معنا با یکدیگر به‌طور کلی مفهومی متفاوت دارد اما همیشه این دو مفهوم با یکدیگر یکی